

واکاوی مفهوم تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً» در قرآن کریم با تأکید بر آیه 213 سوره بقره

محمد تقی قادری رهقی¹

(تاریخ دریافت مقاله: 1403/09/26 - تاریخ پذیرش مقاله: 1403/11/02)

چکیده

در جوامع بشری، تحقق امت واحد در نظر عالمان و رهبران دینی بسیار مورد توجه قرار داشته است. در نظر ایشان محور وحدت ذیل امت واحد، در هدایت الهی و عبادت پروردگار و پیروی از فرامین خداوند منحصر شده است. اگرچه این مهم در جایگاه خود بسیار عالی و حائز اهمیت است، لکن در آیات مرتبط با موضوع امت واحد، به منظور دقیق آیات از امت واحد و محور وحدت مستتر در آن‌ها توجهی نشده است. از نظر نگارنده، آنچه می‌بایست در مفهوم امت واحد مورد توجه قرار گیرد، محور وحدت است. باید دید آن‌جا که خداوند تأکید بر امت واحد بودن انسان‌ها دارد، کدام محور مورد توجه است و آن‌جا که تأکید بر عدم امت واحد بودن شده است، کدام محور مورد نظر بوده است. در این مقاله، دیدگاه جدیدی مطرح گردیده، که به نظر می‌رسد از نظر اکثر مفسران مغفول مانده است. در این دیدگاه، در ارتباط با امت واحد، مفهومی با عنوان محور/ موضوع وحدت و یا قانون واحد حاکم بر همه انسان‌ها مطرح شده است. به این معنی که هر جا سخن از امت واحد می‌شود، بایستی بلافاصله یکی از دو مفهوم فوق طرح و تعریف گردند. در این مقاله به پنج موضوع وحدت و یا قانون واحد حاکم بر همه انسان‌ها از بدو خلقت تا روز قیامت اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: امت واحد، محور و موضوع وحدت، قانون واحد، عقلانیت.

1. فارغ التحصیل دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، تهران، ایران؛

Mgh139413@gmail.com

1- بیان مساله

تعبیر «أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ» در آموزه‌ها و متون اسلامی اعم از قرآن کریم و روایات معصومین **A** مورد توجه ویژه قرار دارد. این تعبیر در 9 آیه از قرآن کریم مطرح شده است. در این مقاله به مفهوم این تعبیر بر اساس آیات مرتبط پرداخته شده است. در آیات مورد بحث بر امت واحد بودن انسان‌ها تاکید یا از آن پرهیز شده است. سوال اساسی این است که علت این تضاد ظاهری چیست؟ در آیات مورد نظر چه نکته‌ای نهفته است که در برخی بر امت واحد بودن انسان‌ها تاکید و در دیگر آیات بر عدم آن تاکید شده است؟ در این مقاله به تبیین موضوع و ایضاح آیات مرتبط پرداخته شده است.

2- مقدمه

در آیاتی چند از قرآن کریم، عبارت «أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ» آمده است. در کلام پیامبر اکرم **t** و ائمه طاهرین **A** و عالمان دین و مفسران قرآن کریم نیز اجمالاً و به طور کلی به این امر تاکید فراوان شده است. البته وقتی امت واحد مطرح شده است، بیشتر به جنبه اتحاد مسلمانان حول محور دین و بر علیه دشمنان اسلام تمرکز شده است. لکن در قرآن، مفهوم امت واحد فقط طرح همگرایی مردم آن هم فقط مردم مسلمان حول محور رسالت پیامبر گرامی اسلام **t** و دین اسلام نیست. بلکه این مفهومی گسترده و مربوط به همه انسان‌ها از بدو خلقت تا روز قیامت است. در این مقاله به بسط مفهوم امت واحد آن گونه که در قرآن کریم آمده، پرداخته شده است. محورهای موضوعات وحدت و همچنین قانون‌های واحدی که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده، مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است در این مقاله، ترجمه آقای فولادوند برای آیات قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته است.

2-1. معنای لغوی و اصطلاحی امت

أُمَّةٌ از ماده «ام» به معنای مادر است و در اصل به معنای انضمام اشیاء به یکدیگر است. به همین جهت به هر گروهی که در هدف یا در زمان و مکان واحدی جمع‌اند امت گفته می‌شود. ولی این کلمه به معنی وقت و زمان نیز آمده است، زیرا اجزای زمان به هم پیوسته‌اند و یا به خاطر این که هر جماعت و گروهی در عصر و زمانی زندگی می‌کنند. (مکارم، 30/9) چنان‌که راغب می‌گوید، به جماعتی می‌گویند که یک نوع ارتباط به یکدیگر دارند. یا از نظر دین، یا وحدت مکان و یا زمان، خواه آن حلقه اتصال اختیاری باشد یا اجباری (و از همین رو گاهی به معنای مذهب به کار رفته است) (مکارم، 36/21). حقیقت أُمَّةٌ، جماعتی کثیر از مردم است که در امری واحد مجتمع شده‌اند. نیز بر مدت هم اطلاق می‌شود، گویی نسلی از مردم، آن مدت را سپری می‌کنند. (ابن عاشور، 211/11) هم‌چنین به معنای ملت و دین نیز آمده است. (ابن عاشور، 233/25؛ فخر رازی، 321/17) کلمه أُمَّةٌ در هر کلامی که بیاید به معنای جماعتی است که در آن گفتار، مورد نظر باشند و اغلب در انسان استعمال می‌شود. (طباطبایی، 256/11) نیز به معنای جماعتی است که مقصد واحدی آن‌ها را جمع کرده باشد. (طباطبایی، 455/14) هم‌چنین کلمه أُمَّةٌ به معنای طریقه‌ای است که مقصود آدمی باشد. (چون ماده «ام»، «یوم» به معنای قصد کردن است) أُمَّةٌ به معنای دین نیز آمده است. (طباطبایی، 137/18؛ شوکانی، 631/4؛ قرشی بنانی، 19/10؛ زمخشری، 245/4) أُمَّةٌ به معانی مختلفی آمده است. عقاید و اصول شرایع، جماعتی که به دلیلی با هم مجتمع شده‌اند، زمان، امام و راهنما، یکی از امت‌های شناخته شده. (مراغی، 121/2؛ رشیدرضا، 276/2) در برخی از آیات قرآن کریم کلمه أُمَّةٌ به معانی پیش گفته آمده است.

– به معنای جماعتی از مردم¹

1. وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ. و چون به آب مدین رسید گروهی از مردم را بر آن یافت که [دامهای خود را] آب می‌دادند و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می‌کردند [موسی] گفت منظورتان [از]!

- به معنای مدت زمان¹

- به معنای آئین و دین²

برای این که مفهوم امت واحد در قرآن کریم به طور دقیق تبیین گردد، لازم است آیاتی که این عبارت در آن ها به کار رفته است، مورد مذاقه قرار گیرند. اجمالاً در این بخش از مقاله توجه خواننده محترم به این مطلب جلب می شود که اولاً جامعه مورد نظر در مفهوم امت واحد، مشتمل بر همه انسان ها و در همه اعصار است و دوماً این مفهوم می بایست به همراه موضوع یا محور وحدت امت یا امری واحد که بر امت حاکم است، مطرح شود. به این معنی که اگر سوال شود، آیا مردم امت واحد هستند یا خیر؟ قبل از ارائه هرگونه پاسخ، بلافاصله بایستی این سوال را مطرح کرد که موضوع وحدت یا محور وحدت یا امر حاکم بر آن امت چیست؟ بر این اساس است که پاسخ بلی یا خیر خواهد بود.

در این مقاله با تاکید بر مفهوم تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً» در آیه 213 سوره بقره، به آیات دیگر مرتبط نیز اشاره شده است.

3- مفهوم تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً» در آیه 213 سوره بقره

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ³

" این کار چیست گفتند [ما به گوسفندان خود] آب نمی دهیم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند و پدر ما پیری سالخورده است. (القصص، 23)

1. وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تاخیر افکنیم حتما خواهند گفت چه چیز آن را باز می دارد آگاه باش روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را که مسخره می کردند آنان را فرو خواهد گرفت (هود، 8)

2. بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ. [نه] بلکه گفتند ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پی گیری از آنان راه یافتگانیم. (الزخرف، 22)

3. مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد پس از !

خداوند در این آیه می‌فرماید: انسان‌ها یک امت واحد بودند. همان‌گونه که در ابتدای مقاله بیان گردید، لازم می‌آید موضوع یا محور وحدت در این آیه تبیین گردد. به عبارت دیگر، چه موضوعی است که انسان‌ها حول آن امتی واحد را تشکیل می‌دهند؟ یا چه قانونی است که خداوند همه انسان‌ها را ذیل آن متحد قرار داده است؟

3-1. نظر مفسران در تبیین آیه

بسیاری از مفسران بر این باورند که انسان‌ها در آغاز خلقت بشر متحد در کفر بودند. (طبرانی، 363/1؛ طوسی، 194/2؛ آلوسی، 495/1؛ جصاص، 398/1؛ واحدی، 161/1) سپس بین آن‌ها اختلاف افتاد و خداوند برای رفع اختلاف، پیامبران را همراه با کتاب برانگیخت. عده‌ای دیگر از مفسران معتقدند که انسان‌ها در ابتدای خلقت متحد در ایمان به خداوند بودند. سپس در اثر زیاده‌خواهی میان آن‌ها اختلاف افتاد و خداوند برای هدایت آن‌ها پیامبران را به همراه کتاب مبعوث گردانید. (قاسمی، 96/2؛ ابوالفتوح رازی، 176/3؛ فخررازی، 373/6؛ زمخشری، 256/1؛ قرشی بنابی، 366/4؛ سیوطی، 242/1؛ مقاتل بن سلیمان، 232/2؛ حقی برسوی، 329/1؛ شوکانی، 492/2؛ ثعلبی، 133/2؛ شحاته، 2048/6؛ ابن کثیر، 425/1؛ نسفی، 169/1؛ ابی السعود، 214/1؛ حوی، 495/1) برخی دیگر از مفسران بر این عقیده هستند که انسان‌ها در آغاز بر اساس فطرت و برداشت‌های طبیعی خود عمل می‌کردند. سپس بین آن‌ها اختلاف افتاد و خداوند برای هدایتشان، پیامبران را فرستاد. موارد زیر قابل توجه است:

طبرسی به نقل از امام باقر **A** که فرمود: قبل از حضرت نوح ملتی بودند که بر فطرت خدایی می‌زیستند، نه هدایت شده بودند و نه گمراه، پس خداوند پیامبران را فرستاد، نتیجه می‌گیرد: معنای آیه این است که، آنان به دین و پیامبری معتقد نبودند، بلکه آن‌چه عقل و

"آنکه دلایل روشن برای آنان آمد به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند به توفیق خویش به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند هدایت کرد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (بقره، 213)

فطرت حکم می‌کرد، بدان عمل می‌کردند و چون خدا می‌دانست که مصلحت و خیر بشر در فرستادن انبیاء است، لذا پیغمبران را برای هدایت مردم فرستاد که بشارت‌دهنده به بهشت بودند برای اطاعت کنندگان و ترساننده برای گناه‌کاران. (طبرسی، 281/2)

مردم در ابتدا ملت واحدی بودند، به این معنی که بر اساس فطرت خود و برداشت‌های طبیعی خود عمل می‌کردند و در هدایت یا ضلالت اصطلاحی نبودند که لازم باشد بر اساس دستورات کتاب آسمانی عمل نمایند. زیرا آدم A صاحب رسالت تفصیلی نبود. بلکه آن‌ها در ضلالت به معنی سلبی آن بودند. ضلالت به معنی عدم دسترسی به تفصیل در هدایت مشتمل بر قواعد، مفاهیم، شریعت و راه و روش روشن. (فضل‌الله، 143/4)

دروزه ضمن اشاره به اقوال مختلف حول امت واحد، با استناد به آیه 30 سوره الروم، قول امت واحد بودن بر فطرت الهی را ترجیح می‌دهد که بین آن‌ها اختلاف پیش آمد. همچنین تشدید اختلاف را به بعد از آمدن انبیاء و نزول کتب الهی و ناشی از بغی و دشمنی و انحراف از حق می‌داند. (دروزه، 371/6) این مفسر در ذیل آیه 19 سوره یونس چنین آورده است: مقصود آیه، آئین دینی است و مراد از آن فطرتی است که در کنار شعور به وجود الله به عنوان خالق محیط به هر چیز، شعور به تسلیم نفس در برابر خداوند دارد. این اصلی است که با وجود همه اختلافات، بشر بر آن سرشته شده است. اختلاف بشر در هواها، نیات و مشوق‌ها باعث انحراف او از این اصل شده است. مفسر، آیه 213 سوره بقره را تاییدکننده این رأی می‌داند. (دروزه، 454/3-455)

رشیدرضا به نقل از ابومسلم اصفهانی و قاضی ابوبکر آورده است: وحدت امت را به فطرت انسان‌ها نسبت می‌دهد. به این معنی که انسان‌ها بر مبنای فطرت خود و با استفاده از قوه عقل و توجه به آیات دال بر وجود خالق و لزوم سپاس از او، خوب را از بد، صحیح را از نادرست تشخیص می‌دادند. به میزان رشد عقلی خود و براساس منافع و مصالح خود عمل می‌کردند. البته بدیهی است که صرفاً با توجه به عقل بدون هدایت الهی، نمی‌توان از بروز اختلاف در شناخت حق از باطل جلوگیری نمود. به خاطر همین هم، انبیاء الهی برای

رفع اختلاف میان مردم ارسال شدند. (رشیدرضا، 278/2-285؛ مراغی، 83/11)

مردم بر فطرت پاک آفریده شدند. برخی بر همان فطرت الهی با ارشاد عقل سلیم یا فرستاده خداوند باقی ماندند و برخی دیگر منحرف شده و به عبادت سنگ و ستاره و انسان و مشابه این‌ها روی آوردند. در نتیجه در اثر تعدد معبود به اختلاف افتادند. (مغنیه، التفسیر المبین، 268/1)

اما علامه طباطبایی و مکارم شیرازی نظری تقریباً نزدیک به هم ولی متفاوت با دیگر مفسران دارند. از جمله:

ظاهر آیه دلالت می‌کند بر این‌که روزگاری بر نوع بشر گذشته که در زندگی اتحاد و اتفاقی داشته، به خاطر سادگی و بساطت زندگی، امتی واحد بوده‌اند و هیچ اختلافی بین آن‌ها نبوده، مشاجره و مدافعه‌ای در امور زندگی و نیز اختلافی در مذهب و عقیده نداشته‌اند. دلیل بر این معنا جمله بعد است. پس معلوم می‌شود، اختلاف در امور زندگی بعد از وحدت و اتحاد ناشی شده است. علامه، علت بروز اختلاف در آحاد بشر اولیه را هم، تفاوت در استعداد و توانایی آن‌ها در استخدام طبیعت و دیگران در جهت منافع خود بیان می‌کند. هم‌چنین، ضمن تصریح وجود دو اختلاف در این آیه، نظر مفسرانی که عقیده بر این داشتند که مردم در سابق همه دارای هدایت بوده‌اند و اختلاف بعد از نزول کتاب و به انگیزه بغی و حسد بوده و نیز نظر مفسرانی که عقیده داشتند، مردم امت واحدی در ضلالت بوده‌اند و هم‌چنین نظر آن‌ها که معتقد بودند، منظور از ناس خصوص حضرت آدم **A** است و او امت واحد و تنها کسی بود که هدایت داشت و بعد از او ذریه‌اش اختلاف کردند، را رد می‌کند. علامه زمانی را که مردم امت واحد بودند، قبل از بعثت نوح **A** دانسته است. (طباطبایی، 186/2-192)

در نهایت، با اشاره به حدیثی از امام صادق **A**، منظور از امت واحد بودن را چنین بیان می‌کند: مردم بر هدایت بودند اما هدایت مبتنی بر فطرت. هدایت تفصیلی به معارف الهیه نداشتند ولی هدایت اجمالی داشتند و این با ضلالت یعنی جهل به تفصیل معارف، جمع می‌شود. فطرت بشر او را به تشکیل اجتماع مضطر کرد و هم به ایجاد اختلاف کشید. (طباطبایی، 215/2)

در آن روز تضادی در میان مردم وجود نداشت. زندگی بشر و اجتماع او ساده بود، فطرت‌ها دست‌نخورده و انگیزه‌های هوی و هوس و اختلاف و کشمکش در میان آن‌ها ناچیز بود. خدا را طبق فرمان فطرت می‌پرستیدند و وظایف ساده خود را در پیشگاه او انجام می‌دادند. (این مرحله اول زندگانی انسان بود) که احتمالاً فاصله میان زمان آدم **A** و نوح **A** را پر می‌کرد. سپس زندگی انسان‌ها شکل اجتماعی به خود گرفت و می‌بایست هم چنین شود، زیرا انسان برای تکامل آفریده شده و تکامل او تنها در دل اجتماع تامین می‌گردد. (و این مرحله دوم زندگی انسان‌ها بود) ولی به هنگام ظهور اجتماع، اختلاف‌ها و تضادها به وجود آمد، چه از نظر ایمان و عقیده و چه از نظر عمل و تعیین حق و حقوق هر کس و هر گروه در اجتماع و در این‌جا، بشر تشنه قوانین و تعلیمات انبیاء و هدایت‌های آن‌ها می‌گردد تا به اختلافات او در جنبه‌های مختلف پایان دهد. (این مرحله سوم بود) (مکارم، 96-95/2) مکارم نیز همانند علامه طباطبایی به دو اختلاف اشاره می‌کند. اختلاف دوم را به بعد از آمدن پیامبران و کتب آسمانی موکول می‌کند. (مراغی، 123/2؛ طیب، 402-401/2؛ قطب، 215/1؛ مغنیه، التفسیر المبین، 557/1)

رشیدرضا مردم را از این جهت امت واحد می‌داند که در امور معاش خود به یکدیگر وابسته هستند. بعضی نیاز به کمک بعضی دیگر دارند. انسان‌ها به تنهایی نمی‌توانند، نیازهای خود را رفع کنند. مردم به اقتضای فطرت، برای قوام معیشت خود به آراء خود عمل می‌کنند و مصلحت و نفع خود و دیگران را توأماً نمی‌توانند تأمین کنند. از این جهت با یکدیگر دچار اختلاف می‌شوند. به بیان دیگر، عقل انسان‌ها به تنهایی نمی‌تواند جامعه بشری را از اضطراب و گسستگی دور بدارد و بنابراین خداوند به واسطه رحمت خود، پیامبران را برای هدایت آن‌ها فرستاد. (رشیدرضا، 285-278/2)

رشیدرضا در ادامه به بیان نظر شیخین پرداخته و آورده است: انسان در آغاز خلقت در این دنیا بدون آگاهی آفریده شده و به تدریج در اثر بهره‌گیری از عقل، بر اساس مصالح و مضار، رفتار خود را اصلاح کرده است. همان‌گونه که انسان در زندگی فردی خود به مرور

نیازهای جدید پیدا می‌کند و توأمأً خداوند متناسب با آن، قوای جسمی و عقلی او را نیز تقویت می‌کند، به همان صورت به مرور زمان، جامعه بشری را به رشد عقلی متناسب با نیازهای خود می‌رساند. زمانی می‌رسد که انسان متوجه نیاز به یک راهنما می‌شود. این جاست که خداوند انبیاء را برای هدایت مردم می‌فرستد. به این معنی که انسان از مرحله اول استفاده از عقل به مرحله دوم استفاده از هدایت انبیاء در زندگی خود در این دنیا در جهت کمال منتقل می‌شود. بعد از این با طولانی شدن فاصله بین پیامبران، انسان‌ها دچار قساوت قلب شده و تاریکی بر نفوس آن‌ها مستولی می‌شود و علمای دین که از تعلیمات الهی دانشی آموخته‌اند، به دنبال تبیین متون دینی مطابق با منافع خود می‌روند. در این حالت است که اختلاف بین جامعه بیشتر می‌شود. (رشیدرضا، 291/2-297)

برخی دیگر از مفسران، موضوع عقلانیت را مطرح می‌کنند. از جمله مدرسی که می‌گوید: خداوند مردم را به صورتی واحد آفرید و به همه آن‌ها اندازه‌ای از عقل داد که برای هدایتشان کفایت می‌کرد. لکن بعضی از عقل خود استفاده کردند و برخی دیگر از آن غافل شدند. اختلاف در اثر فعل آن‌ها بود نه در خلقت آن‌ها. (مدرسی، 353/4)

البته لازم به ذکر است که در نظر بسیاری از مفسران عبارت «فَاخْتَلَفُوا» بعد از عبارت «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» در تقدیر است. به این معنی که انسان‌ها امتی واحد بودند و سپس اختلاف کردند. (ابن عاشور، 284/2؛ طبری، 195/2؛ ابن ابی حاتم، 376/2؛ زمخشری، 255/1؛ فخر رازی، 372/6؛ سیوطی، 242/1؛ دروزه، 371/6؛ نسفی، 169/1؛ قرطبی، 31/3؛ ابن کثیر، 425/1؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، 558/1؛ رشیدرضا، 277/2؛ مغنیه، التفسیر المبین، 41/1؛ شوکانی، 245/1؛ بیضاوی، 135/1)

3-2. نظر برگزیده در تبیین آیه

در تبیین آیه فوق به چند نکته اشاره می‌گردد.

3-2-1. فعل «کان» منسلخ از زمان

برخی از مفسران به طور تلویحی معتقد به فرازمانی بودن فعل «کان» در این آیه می‌باشند. (رشیدرضا، 278/2-285؛ مراغی، 83/11) البته علامه طباطبایی بدون اشاره به

مفسری خاص، نظر کسانی را که فعل «کان» را منسلخ از زمان می‌دانند، مردود شمرده است. (طباطبایی، 188/2)

از نظر نگارنده به استناد عبارت «لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» در آیه 19 سوره یونس¹ که ناظر به حال و آینده است، فعل «کان» در این آیه صرفاً به معنای گذشته نیست. به عبارت دیگر مفاد این آیه این است که انسان‌ها امتی واحد هستند و البته در اختلاف و ... در بسیاری از آیات قرآن منظور از فعل «کان»، بیان امری دائمی و از ابتدای خلقت تا انتهای آن است.

به عنوان مثال معنای فعل «کان» در عبارت «كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» در بسیاری از آیات² منسلخ از زمان است و ناظر به حال و آینده هم هست.

البته در قرآن، آن‌جا که اختلاف مربوط به گذشته هست با عبارت «فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» بیان شده است. به عنوان مثال در آیه 25 سوره سجده³، در روز قیامت، چون دنیا به پایان رسیده و انسان‌ها اختلافات خود را در گذشته داشته‌اند، از فعل گذشته «كَانُوا يَخْتَلِفُونَ» استفاده شده است.

بنابراین معنای آیه مورد بحث این می‌شود که: انسان‌ها امتی واحد هستند و به همین جهت با هم در اختلاف هستند و سوالی که در این صورت و بر اساس چارچوب نظری نگارنده مطرح می‌گردد، این خواهد بود که موضوع یا محور وحدت در این آیه چیست؟ یا چه قانونی است که خداوند همه انسان‌ها را ذیل آن به عنوان امت واحد معرفی می‌کند؟

1. وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ. و مردم جز یک امت نبودند پس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده‌ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود قطعا در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می‌کنند میانشان داوری می‌شد.
2. وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا. و هر کس گناهی مرتکب شود فقط آن را به زبان خود مرتکب شده و خدا همواره دانای سنجیده کار است (نساء، 111).
3. إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ. در حقیقت پروردگار تو خود روز قیامت در آنچه با یکدیگر در باره آن اختلاف می‌کردند میانشان داوری خواهد کرد. (سجده، 25)

3-2-2. موضوع یا محور وحدت

به منظور تبیین موضوع یا محور وحدت یا قانون واحد حاکم بر انسان‌ها در آیه مورد بحث لازم است بر اساس آیات قرآن چرخه اختلاف در بین انسان‌ها استخراج شود.

3-2-2-1. بروز اختلاف پس از مشاهده بینه/بیّنات

واژه بینه مؤنث «بین» از ریشه «بان، یبین، بیان» در لغت به معنای دلیل روشن و چیزی که چیزی دیگر با آن اثبات می‌شود، آمده است. (راغب اصفهانی، واژه بین) واژه قرآنی بینه در حالت مفرد، غالباً به معنای دلیلی است که موجب دانش و بصیرت می‌شود. (الانعام، 57؛ الانفال، 42؛ هود، 28)

هم‌چنین بینه، همه وسایل هدایت و دلائل روشن که مایه آگاهی و بیداری و نجات مردم است را در بر می‌گیرد. (مکارم، 548/1)

اگرچه بینه، خود واضح و بدون ابهام است، لکن برداشت انسان‌ها که به میزان درک و فهم آن‌ها و شیوه و سطح تحلیل آن‌ها از مسایل بستگی دارد، موجب اختلاف میان آن‌ها می‌شود. بینه اعم از کتاب و مشتمل بر هر نشانه‌ای است.

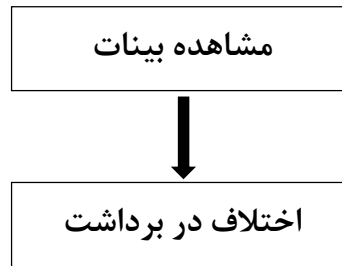
تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ.¹

بر اساس این آیه (و هم‌چنین آیه 105 سوره آل عمران)²، انسان‌ها پس از مشاهده

1. برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلائل آشکار دادیم و او را به وسیله روح القدس تایید کردیم و اگر خدا می‌خواست کسانی که پس از آنان بودند بعد از آن [همه] دلائل روشن که برایشان آمد به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند ولی با هم اختلاف کردند پس بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند و اگر خدا می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند ولی خداوند آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد. (بقره، 253)

2. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلائل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است.

بینات دچار اختلاف شدند و در پی آن با هم به قتال پرداختند. یعنی در پی مشاهده بینات و برداشت‌های متفاوت از آن‌ها، انسان‌ها به دو گروه مومن و کافر تقسیم شدند. بر این اساس شروع چرخه اختلاف به صورت زیر خواهد بود.



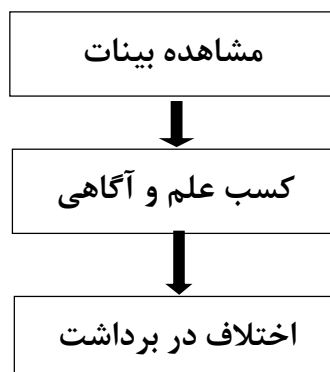
3-2-2-2. بروز اختلاف پس از اخذ علم و آگاهی نسبت به بینه/بینات

وَأَتَيْنَاهُمُ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مَن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ¹

براساس این آیه اختلاف بعد از مشاهده بینات و پس از اخذ دانش و آگاهی نسبت به بینات واقع خواهد شد. آن‌چه مسلم است علت اختلاف، زیاده‌خواهی بیان شده است. در معنای بغی این‌گونه آمده است:

طلب کردن و فساد، معنای اصلی این واژه است. (ابن فارس، 271/1) هم‌چنین بغی به معنای طلب و تجاوز از حد که ظلم، فساد، حسد، زنا، کبر، تعدی از موارد آن است. (ابن منظور، 78/14) نیز طلب در گذشتن از اعتدال است. (راغب اصفهانی، 136؛ قرشی، 208/1) در این آیه، بَغْيًا از نظر نحوی، حال یا مفعول لاجله و عامل آن اختلافوا می‌باشد. (درویش، 151/9؛ صافی، 149/25؛ علوان، 2205/4؛ کرباسی، 380/7؛ دعاس، 217/3؛ طوسی، 255/2؛ ابوالفتوح رازی، 229/17؛ ابن عاشور، 365/25) بنابراین چرخه اختلاف به صورت زیر اصلاح و تکمیل می‌شود.

1. و دلایل روشنی در امر [دین] به آنان عطا کردیم و جز بعد از آنکه علم برایشان [حاصل] آمد [آن‌هم] از روی رشک و رقابت میان خودشان دستخوش اختلاف نشدند قطعا پروردگارت روز قیامت میانشان در باره آنچه در آن اختلاف میکردند داوری خواهد کرد. (جاثیه، 17)



3-2-2-3. بعثت انبیاء پس از بروز اختلاف

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ * ... لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ¹

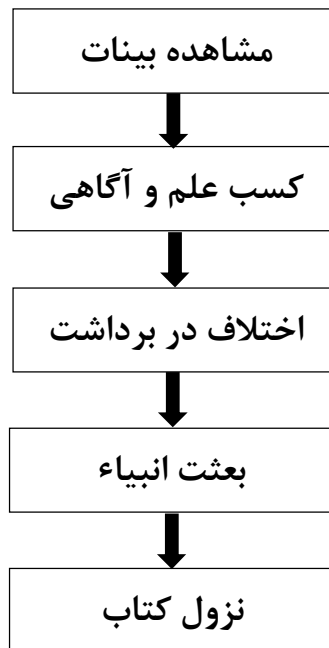
این آیه بیان می‌دارد که پس از این‌که انسان‌ها بعد از مشاهده بینات و نیز کسب علم و آگاهی نسبت به آن‌ها به اختلاف افتادند، خداوند پیامبران خود را برای رفع اختلاف پیش‌آمده می‌فرستد. بر این اساس چرخه اختلاف به صورت زیر تکمیل می‌گردد.



1. و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [تفریبگر] پرهیزید پس از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. * تا [خدا] آنچه را در [مورد] آن اختلاف دارند برای آنان توضیح دهد و تا کسانی که کافر شده‌اند بدانند که آنها خود دروغ می‌گفته‌اند. (النحل، 36 و 39)

3-2-2-4. نزول کتاب پس از بعثت انبیاء

به استناد آیه مورد بحث (آیه 213 سوره بقره)، خداوند همراه برخی از پیامبران، کتاب نازل فرمود تا در مورد اختلاف بین انسان‌ها حکمیت کنند. بر این اساس چرخه اختلاف به صورت زیر تکمیل می‌گردد.



3-2-2-5. اختلاف میان کسانی که به آن‌ها کتاب داده شده پس از

مشاهده بینات

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ¹

براساس این آیه، تفرقه بین کسانی که برای آن‌ها کتاب نازل شده است، پس از مشاهده بینات روی داده است. از آن‌جا که اختلاف علت تفرقه است (ابن‌عاشور، 184/3)، چرخه اختلاف به صورت زیر کامل می‌شود.

1. و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد. (بینه، 4)



چرخه فوق برای همه انسان‌ها و در همه اعصار برقرار است. به این معنی که این چرخه اختلاف بین انسان‌ها از ابتدای خلقت تا انتها صادق و جاری است. به عبارت دیگر با استناد به این آیه می‌توان گفت، قانونی که خداوند برای انسان‌ها و به صورت واحد حاکم کرده است، چرخه فوق است. وقتی در این آیه می‌گوید انسان‌ها امت واحد هستند، به این معنی است که خداوند چنین مقرر کرده است که انسان‌ها بر اساس برداشت خود از بینات و نشانه‌هایی که خداوند برای هدایت آن‌ها می‌فرستد عمل نمایند. این همان محور وحدت انسان‌ها از ابتدای خلقت تا انتهای خلقت بر اساس آیه مورد نظر است.

البته که انسان‌ها بر اساس میزان و سطح فهم و درک خود از نشانه‌های الهی رفتار نموده و در نتیجه با هم به اختلاف خواهند خورد. البته این اختلاف پس از کسب علم و آگاهی به نشانه‌های الهی و ناشی از زیاده‌خواهی است. دلیل این وحدت رویه برای انسان‌ها از طرف خداوند، همان امتحان انسان‌ها و ارزیابی ایشان است.

در ادامه به تبیین مفهوم تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً» در دیگر آیات پرداخته شده است.

4- مفهوم تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً» در دیگر آیات قرآن کریم

4-1. إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ¹

در آیات ماقبل این آیه خداوند راه و رسم پیامبران گذشته² را بیان می‌کند و در این آیه همه انسان‌ها را به تبعیت از آئین انبیاء گذشته که همانا پرستش خدای واحد است، توصیه می‌کند. بنابر این آیه، پرستش خدای واحد، موضوع وحدت همه انسان‌ها بیان می‌گردد. به این معنی که همه انسان‌ها در موضوع پرستش خدای واحد، الله، امت واحد هستند. مشابه همین آیه با کمی اختلاف آیه 52 سوره مومنون است.³

قریب به اتفاق مفسران، أُمَّةً را در این آیه به آئین و دین تعبیر کرده‌اند. (طبری، 22/18؛ طبرانی، 376/4؛ طوسی، 375/7؛ طبرسی، 56/17؛ ابوالفتوح رازی، 29/14؛ سیوطی، 10/5؛ فیض کاشانی، 401/3؛ بحرانی، 241/4؛ ابن عاشور، 57/18؛ طیب، 413/9؛ ثعلبی، 49/7؛ واحدی، 748/2؛ نسفی، 182/3؛ قرطبی، 128/12؛ ابن کثیر، 416/5؛ ابی السعود، 138/6؛ مراغی، 30/18؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، 610/5؛ مغنیه، التفسیر المبین، 450/1؛ حوی، 3645/7؛ قاسمی، 292/7؛ شوکانی، 575/3؛ بیضاوی، 89/4) بنابر این آیه، انسان‌ها در خوردن طیبات و انجام عمل صالح و یا در رعایت تقوای الهی، امت واحد هستند.

4-2. وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ⁴

در آیه 105 سوره هود، خداوند انسان‌ها را به دو گروه شقی و سعید تقسیم می‌کند. شقی در جهنم و سعید در بهشت سکنی خواهد گزید. با توجه به این مقدمه، معنای آیه فوق

1. این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید. (الانبیاء، 92)

2. پیامبرانی همچون نوح، ابراهیم، لوط، اسحق، یعقوب، اسماعیل، ادریس، ا، ذالکفل، ا، ذالنون، ا، زکریا، ایوب، داود، سلیمان، عیسی، موسی، هارون، ا و حضرت مریم E را نام برده است.

3. يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ * وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ. ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می‌دهید دانایم * و در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید. (المومنون، 51-52)

4. و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد در حالی که پیوسته در اختلافند. (هود، 118)

چنین است: خداوند نخواسته است که انسان‌ها در گروه سعدا قرار گیرند. قرار بر این است که انسان‌ها بر اساس اختیار خود و عملکرد خود در این دنیا در یکی از دو گروه سعدا و اشقیا قرار گیرند. اکثر مفسران همین معنا را اراده کرده‌اند. (مکارم، 279/9؛ طباطبایی، 82/11؛ طبرسی، 148/12؛ شحاته، 2279/6؛ دروزه، 554/3؛ مغنیه، التفسیر المبین، 302/2) البته سوالی که در این بخش قابل طرح است، این‌که، آیا اصولاً با توجه به ماهیت این دنیا و محدودیت‌های موجود، انسان‌ها می‌توانند همگی با عملکرد خود در اجرای احکام و فرامین الهی در گروه سعدا قرار گیرند یا الزاماً گروهی از انسان‌ها لاجرم در گروه اشقیا خواهند بود؟ عبارتی که در آیه بعدی شایان توجه است، عبارت «لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» است. خیلی از مفسران «ذلک» را به رحمت الهی برگردانده‌اند. به این معنی که خداوند انسان‌ها را برای این‌که آن‌ها را مشمول رحمت خود قرار دهد، آفریده است. اما برخی دیگر از مفسران، «ذلک» را به اختلاف بین انسان‌ها و دو گروه بودن آن‌ها برگردانده‌اند. (شحاته، 2279/6؛ جصاص، 380/4؛ ثعلبی، 380/5؛ نسفی، 300/2؛ ابن عاشور، 350/11) نظر نگارنده موید نظر گروه دوم است. به این معنی که اساساً خداوند انسان‌ها را در ذیل حاکمیت اختلاف بین آن‌ها آفریده است. به عبارت دیگر انسان‌ها با عملکرد اختیاری خود، الزاماً می‌بایست در یکی از دو گروه سعدا و اشقیا قرار گیرند.

بر اساس این آیه، انسان‌ها در رستگاری و سعادت اخروی، امت واحد نیستند. به عبارت دیگر سعادت انسان‌ها در آخرت، موضوع وحدت آن‌ها نیست. یعنی انسان‌ها حول محور سعادت اخروی، متحد نخواهند بود.

3-4. وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِنَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ¹

1. و ما این کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم در حالی که تصدیق کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از هواهایشان [با دور شدن] از حق که به سوی !

در این آیه موضوع یا محور وحدت، شریعت است. بر اساس این آیه خداوند نخواسته است که انسان‌ها در همه اعصار و در جوامع مختلف از یک شریعت تبعیت کنند و برای این‌که خداوند بتواند انسان‌ها را با توجه به شرایط، استعدادها، اقتضائات و ... مورد آزمایش قرار دهد، لازم است جوامع مختلف از شریعت‌های مختلف تبعیت کنند. به عبارت دیگر انسان‌ها حول محور شریعت، متحد نخواهند بود. به بیان دیگر انسان‌ها در موضوع شریعت، امت واحد نخواهند بود.

4-4. وَلَوْ أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ * وَلِيُوتِيَهُمُ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ * وَزُخْرَفًا وَإِنَّ كُلَّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعٌ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ¹

قاطبه مفسران (ابن ابی حاتم، 3282/10؛ طبرانی، 470/5؛ طبرسی، 218/22؛ ابوالفتوح رازی، 169/17؛ زمخشری، 249/4؛ فخررازی، 631/27؛ ثعالبی، 180/5؛ سیوطی، 17/6؛ فیض کاشانی، 390/4؛ بحرانی، 859/4؛ حقی برسوی، 367/8؛ آلوسی، 79/13؛ ابن عاشور، 247/25؛ مکارم، 56/21؛ فضل اله، 238/20؛ مدرسی، 469/12؛ طیب، 27/12؛ مقاتل بن سلیمان، 794/3؛ ثعلبی، 333/8؛ واحدی، 974/2؛ قرطبی، 84/16؛ ابن‌کثیر، 208/7؛ ابی السعود، 46/8؛ مراغی، 86/25؛ قطب، 3188/5؛ مغنیه، التفسیر المبین، 650/1؛ قرشی بنابی، 27/10؛ حوی، 5134/9؛ قاسمی، 388/8؛ طبری، 41/25). این آیه را چنین معنا کرده‌اند: اگر انسان‌ها در کفر متحد و یکپارچه نمی‌شدند، هرآینه خداوند برای خانه کافران سقف‌هایی از نقره قرار می‌داد و نردبان‌هایی که از آن‌ها بالا روند

" تو آمده پیروی مکن برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده ایم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید بازگشت [همه] شما به سوی خداست آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد. (المائد، 48)

1. و اگر نه آن بود که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند قطعاً برای خانه‌های آنان که به [خدای] رحمان کفر می‌ورزیدند سقف‌ها و نردبان‌هایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می‌دادیم * و برای خانه‌هایشان نیز درها و تخت‌هایی که بر آنها تکیه زنند. * و زر و زیورهای [دیگر نیز] و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است. (الزخرف، 35-33)

و هم‌چنین دیگر امکانات دنیایی را نصیب آن‌ها می‌کرد. بر این اساس، آن‌چه مانع از این می‌شود که خداوند به کفار، از متاع دنیا به وفور بدهد، اتحاد همه انسان‌ها در کفر و نافرمانی خداوند بیان شده است.

به نظر می‌رسد بایستی در نوع معنایی که از عبارت «وَلَوْ لَأَنَّ يَكُونُ» ارائه شده است، توجه شود.

به نظر نگارنده، فعل «یکون» به معنای «شدن» نیست بلکه به معنای «هستن» است. به این معنی که هم اینک انسان‌ها امت واحد هستند نه این‌که در اثر بهره‌مندی کافران از امکانات دنیایی به وفور، امت واحدی حول محور کفر تشکیل دهند. دلیل ساده آن می‌تواند این باشد که در همین دنیای فعلی، هستند کافرانی که به وفور از مواهب دنیایی بهره‌مند هستند ولی این موضوع نتوانسته مومنانی را که در نهایت فقر و تنگدستی هستند به این نتیجه برساند که از ایمان خود به خداوند دست بردارند و به کفر گرایش نشان دهند.

با توجه به مطالب فوق، این آیه را می‌بایست به این صورت معنا کرد: اگر قرار نبود که انسان‌ها امت واحد باشند یا اگر نبود که انسان‌ها امتی واحد هستند، هرآینه خداوند برای خانه کافران سقف‌هایی از نقره قرار می‌داد و نردبان‌هایی که از آن‌ها بالا روند و هم‌چنین دیگر امکانات دنیایی را نصیب آن‌ها می‌کرد. در صورت صحت این معنا، سوالی که مطرح می‌شود این‌که: موضوع وحدت در این آیه چیست؟ به عبارت دیگر، چه موضوعی است که بر همه انسان‌ها تا روز قیامت حاکم است و همین موضوع مانع از این شده است که خداوند، کافران را از مواهب دنیایی به وفور بهره‌مند سازد؟

پاسخ این سوال در آیه صریح قرآن کریم یعنی آیه «وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»¹ نهفته است. براساس این آیه انسان‌ها جز با تلاش و کوشش خود چیزی را کسب نمی‌کنند و در این موضوع حصر حاکم است. به عبارت دیگر خداوند انسان‌ها را جز با تلاش و کوشش خودشان از مواهب دنیایی (و شاید معنوی و اخروی) بهره‌مند نمی‌گرداند. البته این با

1. و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. (النجم، 39)

عنایات الهی به مومنان منافاتی ندارد. بنابراین آنچه مانع شده است که خداوند کافران را از امکانات و لذائذ دنیایی به وفور بهره‌مند گرداند، موضوع همین آیه است نه این‌که چون بقیه انسان‌ها به جهت تمایل به مادیات و لذائذ دنیایی به کفر گرایش پیدا می‌کنند. آری، از آن‌جا که مقرر است انسان‌ها صرفاً از حاصل تلاش و کوشش خود، بهره‌مند شوند، خداوند به کافران در استفاده و بهره‌مندی از دنیا بدون هرگونه تلاش، استنکاف ورزیده است. بنابراین موضوع وحدت در عبارت امت واحد در آیه مورد بحث، بهره‌مندی انسان‌ها اعم از مومن و کافر، صرفاً بر مبنای تلاش و کوشش است. البته در میان مفسران، فقط علامه طباطبایی در انتهای متن تفسیر خود ذیل آیه فوق، چنین تفسیری را ممکن دانسته است.¹

5- نتایج مقاله

در 9 آیه از قرآن کریم به مفهوم امت واحد اشاره شده است. در پژوهش حاضر، مفهوم امت واحد در این آیات مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این بررسی، طرح مفاهیمی با عنوان «موضوع وحدت»، «محور وحدت» و «قانون واحد حاکم بر انسان‌ها از طرف خداوند» می‌باشد. به این معنی که با طرح مفهوم امت واحد، بلافاصله باید به این سوال پاسخ داد که موضوع یا محور وحدت یا قانون واحد مورد نظر خداوند در مورد انسان‌ها چیست؟ در این مقاله با توجه به آیات مربوط به مفهوم امت واحد، به موارد زیر اشاره گردید:

1- محور/ موضوع‌های وحدت برای همه انسان‌ها عبارت است از عبادت و پرستش

فقط خداوند و رعایت تقوای الهی

1. ممکن هم هست که مراد از امت واحد بودن مردم این باشد که همه مردم در برابر اسباب و عوامل بهره‌های زندگی یک نسبت دارند و در این نسبت فرقی بین مومن و کافر نیست. پس هر کس منتهای سعی خود را در طلب رزق به کار بندد و اسباب و عوامل دیگر هم که در اختیارش هست، مساعد با این کوشش باشد، قهراً به رزق مطلوب خود می‌رسد، چه مومن باشد چه کافر. کسی که آن اسباب و عوامل با سعی وی جمع نباشد و مساعدت نکند، محروم می‌گردد و رزقش تنگ می‌گردد، چه مومن باشد چه کافر و معنای آیه این است که: اگر نبود که ما اراده کرده‌ایم، مردم در برابر اسبابی که آنان را به زخارف دنیا می‌رساند، یکسان باشند و اختلافشان هم به خاطر ایمان و کفر نباشد، هر آینه برای کفار سقف‌هایی از نقره قرار می‌دادیم. (طباطبایی، 149/18)

- 2- قوانینی که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده و آن‌ها را با طرح مفهوم امت واحد تبیین نموده است عبارت است از:
- الزام وجود اختلاف بین انسان‌ها
 - به این معنی که خداوند انسان‌ها را در شیوه رفتار خود مختلف آفریده است.
 - عدم الزام تبعیت انسان‌ها از یک شریعت واحد
 - به عبارت دیگر این که خداوند برای انسان‌ها در همه اعصار و به طور هم‌زمان احکام متفاوتی را وضع کرده است.
 - امکان دستیابی انسان‌ها به نعمات الهی صرفاً بر مبنای تلاش و کوشش
 - به بیان دیگر، انسان‌ها صرفاً بر اساس تلاش و کوشش خود از مواهب مادی و معنوی بهره‌مند خواهند شد.
 - برداشت آزاد انسان‌ها از نشانه‌های الهی مبتنی بر راهنمایی عقل
- منظور از مفهوم امت واحدی که خداوند در آیه 213 سوره بقره به آن اشاره کرده است، مفهومی جز آن است که غالب مفسران ارائه کرده‌اند و صرفاً مربوط به زمان گذشته دور و ابتدای خلقت انسان نیست. بلکه منظور این است که خداوند این‌گونه خواسته است که همه انسان‌ها در طول زمان از گذشته تا روز قیامت، رفتار خود را بر اساس برداشت خود از نشانه‌های الهی اعم از کتاب و البته بر مبنای عقل، تنظیم کنند. به عبارت دیگر، خداوند خواسته است که انسان‌ها بر مبنای عقلانیت، مسایل این جهان را تحلیل و مسیر خود را در جهت اعتلای شناخت خود از جهان و حصول رستگاری انتخاب نمایند. در صورتی‌که انسان‌ها بر مبنای عقل و به دور از هرگونه زیاده‌خواهی و استعمار دیگران و براساس عدل و انصاف عمل کنند، خداوند هدایت خود را برای تحقق آن‌ها خواهد فرستاد.

کتابشناسی

1. قرآن کریم به ترجمه فولادوند
2. آلوسی، محمد بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول، 1415 هـ ق
3. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم، 1419 هـ ق
4. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ العربی، چاپ اول، 1420 هـ ق
5. ابن عرفه، محمد بن محمد، تفسیر ابن عرفه، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول، 2008 م.
6. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1419 هـ ق
7. ابوالسعود، محمد بن محمد، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1983 م.
8. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، 1408 هـ ق.
9. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثه قسم الدراسات الاسلامیه، چاپ اول، 1415 هـ ق
10. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی، چاپ اول
11. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1418 هـ ق
12. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1422 هـ ق
13. ثعلبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعلبی یا الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1418 هـ ق
14. حصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1405 هـ ق
15. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر، چاپ اول
16. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام، چاپ ششم، 1424 هـ ق
17. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت، دارالغرب الاسلامی، چاپ دوم، 1421 هـ ق
18. درویش، محی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانه، سوریه - حمص، الارشاد، چاپ چهارم، 1415 هـ ق
19. دعاس، احمد عبید، اعراب القرآن الکریم، دمشق، دارالفارابی للمعارف، چاپ اول، 1425 هـ ق
20. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، 1414 هـ ق
21. الزمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم، 1404 هـ ق
22. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی، چاپ اول، 1404 هـ ق
23. شحاته، عبدالله محمود، تفسیر القرآن الکریم (عبدالله شحاته)، قاهره، دار غریب، چاپ اول، 1421 هـ ق
24. شوکانی، محمد، فتح القدیر، دمشق، دار ابن کثیر، 1414 هـ ق
25. صافی، محمود، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویه هامه، دمشق، دار الرشید، چاپ چهارم، 1418 هـ ق
26. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، 1374 ش.

27. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن، دار الکتب الثقافی، چاپ اول، 2008 م
28. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ترجمه حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی، چاپ اول
29. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، 1412 هـ ق
30. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 460 هـ ق
31. طبیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، چاپ دوم، 1369 ش
32. علوان، عبدالله بن ناصح، اعراب القرآن الکریم، مصر - طنطا، دار الصحابه للتراث، چاپ اول، 1427 هـ ق
33. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ س.م، 1420 هـ ق
34. فضل اله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، چاپ اول، 1419 هـ ق
35. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم، 1415 هـ ق
36. قاسمی، جمال الدین، محاسن التاویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، 1418 هـ ق
37. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ دوم، 1375 ش
38. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول، 1364 ش
39. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، چاپ سی و پنجم، 1425 هـ ق
40. کرباسی، محمدجعفر، اعراب القرآن، بیروت، دار و مکتبه الهلال، چاپ اول، 1422 هـ ق
41. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، چاپ اول، 1419 هـ ق
42. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دارالفکر، چاپ اول
43. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1423 هـ ق
44. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، 1371 هـ ش
45. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم، دارالکتب الاسلامی، چاپ اول، 1424 هـ ق
46. همو، التفسیر المبین، قم، دارالکتب الاسلامی، چاپ سوم، 1425 هـ ق
47. نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل، بیروت، دار التفائس، چاپ اول، 1416 هـ ق
48. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1411 هـ ق.

